

تقرير دفتر استاد سيد كاظم مصطفى «زيد عزه العالي» از درس خارج فقه  
استاد سيد كاظم مصطفى؛ 1392/01/19



توضيح تكميلي درباره ادله قول سوم نسبت به ازاله نجاست از محل سجود. قول اول که اختصاص داشت به مسجد جبهه و قوم دوم مربوط بود به ازاله نجاست از مواضع سبع و قول سوم تمام موضعي که ساجد استفاده مي کند، تمام آن مکان بايد طاهر باشد و نجاست اگر در آن مکان ديده شود بايد ازاله شود.

توضيح ادله قول به طهارت تمام محل سجده

اما ادله قول سوم: منسوب است به سيد مرتضي و فخر المحققين و فخر المحققين هم نسبت داده به علامه و منسوب مي شود به ابو صلاح حلبی. قول منسوب به ابي صلاح حلبی اين بود که طهارت مواضع سبعة لازم است و اين را مي توانيم برگردانيم به قول سوم چون از لحاظ عرف پاك بودن هفت موضع سجده مستلزم پاك بودن آن قسمت از مکان است. عرفاً و طبق واقعيت ها لزوم طهارت به اين نحو نيست که هفت موضع را دقيق مشخص کند و ازاله نجاست کند و بقيه اش را متنجس بگذارد بلکه تطهير هفت موضع مستلزم تطهير کل مکان مصلي است.

نص خاص (موثقه ابن بکیر موثقه عمار ساباطي)

در مرحله ادله نسبت به قول سوم که طهارت کل مکان مصلي باشد نصي داريم معتبر که ما را در اين جهت مي کند: از جمله موثقه ابن بکیر که در آن حديث آمده است «يُصَيِّبُهَا الْإِحْتِلَامُ أَوْ يُصَلِّي عَلَيْهَا؟ فَقَالَ لَا» [1] که دلالت دارد بر اينکه مکان بايد طاهر باشد. فرشي است که آنجا احتلام صورت گرفته و متنجس شده، آيا مي شود روي آن فرش نماز خواند، امام صادق مي فرمايد: «لا». همين طور نصوص ديگر هم هست: موثقه عمار ساباطي که سند معتبر است «سُئِلَ عَنِ الْمَوْضِعِ الْقَذِرِ يَكُونُ فِي الْجَيْتِ أَوْ غَيْرِهِ فَلَا تُصَيِّبُهُ الشَّمْسُ وَ لَكِنَّهُ قَدْ يَبَسَ الْمَوْضِعُ الْقَذِرُ قَالَ لَا يُصَلِّي عَلَيْهِ» [2] که اين هم دلالت دارد بر اينکه مکان بايد پاك باشد.

صحيحه زراره از امام صادق و امام باقر(ع)

مضافا بر این صحیح زرارہ از امام صادق علیہ السلام و از امام باقر علیہ السلام  
سند روایات فوق

محمد بن علی بن حسین باسناده عن زرارہ کہ اسناد شیخ صدوق بہ زرارہ صحیح است و  
سند می شود صحیح از امام باقر علیہ السلام: «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الْبَوْلِ يَكُونُ عَلَى  
السَّطْحِ أَوْ فِي الْمَكَانِ الَّذِي يُصَلِّي فِيهِ فَقَالَ إِذَا جَفَفَتْهُ الشَّمْسُ فَصَلَّ عَلَيْهِ فَهُوَ طَاهِرٌ». [3]  
این روایت دلالتش از باب مفهوم شرط است. اگر شمس آن را خشک نکرده است نماز در  
آن مکان جایز نیست کہ با مفهوم دلالت می کند بر اینکه مکان مصلی باید پاک و طاهر  
باشد. مفهوم شرط نہ تنها در کلام فقہا کہ در اصطلاحات روایات ہم مورد نظر است. زرارہ از  
امام صادق علیہ السلام (روایاتی کہ در کتاب اربعہ نقل شدہ باش بہ نحوی امتیاز و مدح بہ  
حساب می آید و روایاتی کہ شیخ صدوق و شیخ کلینی نقل کند بہ نحوی امتیاز حساب می  
شود) محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن احمد بن محمد عن حماد عن حریز کہ ہمہ  
از اجلاء و ثقات است عن زرارہ و حکیم بن ازدي جميعا «قَالَ قُلْنَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ السَّطْحُ  
يُصِيبُهُ الْبَوْلُ أَوْ يُبَالُ عَلَيْهِ أَوْ يُصَلِّي فِي ذَلِكَ الْمَكَانِ فَقَالَ إِنْ كَانَ تُصِيبُهُ الشَّمْسُ وَ الرِّيحُ وَ  
كَانَ جَافًا فَلَا بَأْسَ بِهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ يُتَّخَذُ مَبَلًا». [4]

دلالت روایات فوق

کہ بہ مفهوم شرط می فرماید: آفتاب تابید و باد وزید و خشک شد، اشکالی ندارد و اگر  
خشک نشدہ باشد و شمس کہ مطہر است خشک نکرده باشد، نجس است و نماز در آن  
مکان جایز نیست و دلالت دارد بر لزوم و وجوب ازالہ نجاست از مکان مصلی. پس از این  
مجموعہ از روایات کہ دلالتشان ہم کامل و سند ہم صحیح، سوال پیش می آید کہ چرا  
فقہاء فتوا نداده اند بر طہارت کہ قول اول این بود کہ ازالہ نجاست از محل سجود تقریبا  
اجماعی است و این نصوص چگونه معالجه کنیم؟

نظر مرحوم آقاي خويي در مورد ادله قول سوم

سید الاستاد [5] قدس اللہ نفسہ الزکیہ این مسئلہ را مورد تحقیق و بررسی قرار می دهد و  
می فرماید کہ این قول ادله اش تمام نیست. برای اینکه این عده از روایات کہ دلالت بر  
طہارت مواضع سبعمہ یا مکان مصلی دارند، معارض اند با نصوصی کہ دلالت دارد بر اینکه  
ازالہ نجاست از تمام مکان مصلی واجب نیست.

ارزیابی موثقہ عمار و تعارض آن با صحیحہ زرارہ و خبر ابن ابی عمیر

در این رابطہ اولاً. می فرماید: موثقہ عمار کہ عبارت بود از موثقہ عمار بن موسی سبابی  
دربارہ فرش، این روایت معارض است با روایت صحیحہ از زرارہ و ابن ابی عمیر.

معلقہ و مرفوع بودن منافاتی ندارد کہ روایت صحیحہ ہم باشد

سوال و جواب: اصطلاح معلق یکی از مصطلحات رجالی است و با صحیح بودن سند منافات  
ندارد و معلق و مرفوعہ می شود صحیحہ ہم باشد. اگر از ابتدای سند چند راوی حذف شود  
می شود معلق و اگر از انتہای سند چند راوی حذف شود می شود مرفوعہ. اما صحیحہ ابن  
ابی عمیر: عن احمد بن محمد بن عیسی عن العباس بن معروف عن صفوان عن صالح  
النیل عن محمد بن ابی عمیر «قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ أَصَلِّي عَلَى الشَّاذْكُونَةِ وَ قَدْ  
أَصَابَتْهَا الْجَنَابَةُ فَقَالَ لَا بَأْسَ». [6] نسبت بہ فرشی کہ جنابت آنجا واقع شدہ است، سوال  
می کند کہ نماز بخواند در آن فرش؟ امام صادق می فرماید لا. بَأْسَ. اما روایت موثقہ ابن

بکیر که در آن روایت آمده بود «يُصِيبُهَا الْاِحْتِلَامُ اَيُّصَلِي عَلَيْهَا؟ فَقَالَ لَا» که با این روایت معارض است.

قاعده در تعارض روایت صحیحه و موثقه

اگر صحیحه با موثقه معارضه کند، امتیاز ابتدایی با صحیحه است هرچند ترجیح کامل ندارد اما امتیاز اعلام می شود و اگر امتیازات دیگر هم بود تقدم بر صحیحه است. اما روایت صحیحه زراره که معارض است با موثقه: عن زرارہ عن امام الباقر علیہ السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الشَّاذِكُونَةِ يَكُونُ عَلَيْهَا الْجَنَابَةُ أَوْ يُصَلِّي عَلَيْهَا فِي الْمَحْمِلِ قَالَ لَا بَأْسَ». [7] مکان مصلي اگر نجس باشد اشکالی ندارد و این معارض شد. در مرحله ابتدایی می گوییم دلالت آن موثقه بر مطلوب کامل نیست چون معارض دارد. این طائفه اول روایات که مربوط می شد به شاذکونه اما طائفه دوم از روایات که مربوط می شد به مکان متنجس که دو روایت بود صحیحه زراره از امام صادق و امام باقر علیهما السلام [8] که دلالت می کند بر تطهیر مکان مصلي در حال صلاه.

مدلول صحیحه علي بن جعفر

این دو روایت هم معارض است با صحیحه علي بن جعفر علیہ السلام باب 30 از ابواب نجاسات حدیث شماره 2 عن علي بن جعفر عن اخيه موسي بن جعفر «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْبَوَارِي يُبِلُّ قَصَبُهَا بِمَاءٍ قَبْرِ أَوْ يُصَلِّي عَلَيْهِ فَقَالَ إِذَا يَبَسَتْ فَلَا بَأْسَ». [9] که در روایت قبلی گفت اگر شمس خشک کند می توانید نماز بخوانید و اینجا می گوید «اذا يبست فلا بأس» و معلوم است که اگر رطوبت داشته باشد که مسری است و رطوبت نداشته باشد و خشک بشود، اطلاق دارد که بدون تابش شمس خشک بشود یا با تابش شمس، اگر آن بوریایی خشک که بشود نماز خواندن اشکال ندارد.

مدلول روایت عمار در طهارت مکان مصلي

همین طور روایت موثقه عمار: سوال شد «قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْبَارِيَّةِ يُبِلُّ قَصَبُهَا بِمَاءٍ قَبْرِ هَلْ تَجُوزُ الصَّلَاةُ عَلَيْهَا فَقَالَ إِذَا جَفَّتْ- فَلَا بَأْسَ بِالصَّلَاةِ عَلَيْهَا». [10] این روایت دلالت دارد بر اینکه مکان مصلي لازم نیست که طاهر باشد و اگر متنجس هم باشد اشکال ندارد.

روایت قرب الاسناد

روایت بعدی که این حدیث در قرب الاسناد آمده است. این هم صحیحه علي بن جعفر بن جعفر عن اخيه موسي بن جعفر سوال می شود «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ مَرَّ بِمَكَانٍ قَدْ رُشَّ فِيهِ خَمْرٌ قَدْ شَرِبَتْهُ الْأَرْضُ وَبَقِيَ نَدَاهُ أَوْ يُصَلِّي فِيهِ فَقَالَ إِنْ أَصَابَ مَكَانًا غَيْرَهُ فَلْيُصَلِّ فِيهِ وَإِنْ لَمْ يُصَبْ فَلْيُصَلِّ وَلَا بَأْسَ». [11] مردی گذرش به جایی که آنجا مشروب پاشیده شده بود و زمین آن مشروب را به خودش فرو برده بود و رطوبتی از آن شراب باقی بود، آیا می شود آنجا نماز خواند؟ امام می فرماید: اگر جایی دیگری هست آنجا نماز بخواند و اگر جایی دیگر ندارد نماز همانجا بخواند و اشکالی ندارد بنابراین طهارت مکان مصلي شرط نیست. از يك سو روایات متعدد دال بر اشتراط طهارت و طرف مقابل هم روایات متعدد دال بر عدم اشتراط طهارت و وثاقت و اعتبار سند از سوي دیگر و دلالت ها هم واضح که يك تعارض خطیری است.

حل تعارض روایات دسته دوم و سوم

براي معالجه اين تعارض سيد الاستاد فرموده اند كه جمع بين اين دو دسته از روايات به يكي از دو وجه ممكن است:

حمل روايات دسته سوم بر كراهت

1. روايات دال بر اشتراط طهارت حمل بشود بر كراهت به اين معنا كه نماز در مكان متنجس مكروه است. تطهير الزامي نيست و نماز در مكان متنجس مكروه است. شاهد جمع اين است كه مي فرمايد در موثقه ابن بكير كه اشتراط طهارت اعلام شده است مي فرمايد: نماز بر روي فرش متنجس جايز نيست كه كلمه «لا يجوز» ندارد و مي فرمايد «لا» كه مطلق است يعني ممكن است «لا» مصداقش مكروه باشد نه محرم. اين اطلاق را كه حمل مي كنيم به مكروه به قرينه اي كه در صحيحه زراره آمده بود كه يجوز (كه شك در نجاستش داريم) يجوز فرمود نعم لا بأس) پس «يجوز» صريح در جواز است و «لا» اطلاقش عدم جواز را شامل مي شود و به قرينه «يجوز» اطلاق «لا» را حمل مي كنيم به كراهت. ايجاد انقلاب نسبت (اعم و اخص مطلق درست شود)

وجه دوم اين است كه نسبت را منقلب كنيم و بگوئيم تعارض نيست بلكه اعم و اخص مطلق است. به اين معنا كه صورتي كه مي گويد جايز است نماز و سجده به مكان متنجس، قطعاً تقيد مي شود آن نصوص به غير از محل سجده چون محل سجده طهارتش قطعاً ثابت است پس شد خاص. اما موثقه ابن بكير كه مي فرمايد جايز نيست به طور طبيعي بايد بگوئيم در حالي كه رطوبت داشته باشد جايز نيست. پس آن روايتي كه مي گويد جايز است نسبت به غير محل سجده است و آن دسته كه مي گويد جايز نيست نسبت به محل سجده است. بنابر اين جمع بين دو طائفه يا از باب اعم و اخص است كه وجه دوم است يا از باب حمل بر كراهت است كه وجه اول بود و اين دو وجه جمع را سيد فرموده اند و فقها هم در اين رابطه اختلاف نظري ندارند.

تحقيق مطلب

اما تحقيق اين است كه در تعارض اولاً به متون مي نگريم كه خود متون تعارض دارند يا ندارند آنگاه كه تعارض صورت گرفت، اولاً به مرجحات اصلي مراجعه مي كنيم يعني مخالفت عامه و موافقت كتاب. بنابر اين اولاً به متون حديث مراجعه كنيم قسمتي از احاديثي كه دلالت داشتند بر عدم اشتراط طهارت دلالتشان كامل نبود. مثلاً صحيحه زراره كه مي فرمايد: «أَيُّصَلِّي عَلَيْهَا فِي الْمَحْمِلِ» كه مقيد به محمل شد و محمل يك ضرورت است و حديث ديگر كه فرموده است «إِنْ أَصَابَ مَكَاناً غَيْرَهُ فَلْيُصَلِّ فِيهِ» كه حكم اولي اين است و در صورت ضرورت اشكال ندارد. پس دلالت اينها دلالت بر عدم اشتراط طهارت نيست پس اول بايد به متن دقت كنيم. بعد مي رسيم به روايتي كه بسيار مهم هست صحيحه محمد بن ابي عمير از امام صادق درباره شاذگونه كه «وَقَدْ أَصَابَتْهَا الْجَنَابَةُ» فرمود «لا بأس» اين متن توجيه درستي دارد نه تاويل به اين نحو كه فرش بزرگ است و جنابت هم آنجا واقع شده و محل را نمي دانيم كه آيا روي آن فرش نماز بخوانيم در حالي كه نمي دانيم روي آن همان محل نجس است كه اصالة الطهاره مي گويد اشكالي ندارد. بنابر اين در مجموع روايات معارض دال بر عدم اشتراط طهارت نيست و جواز صلاه بر مكان متنجس را به طور صريح اعلام نمي كند. اين اشكال اول كه در تعارض مرحله اول متن است و متن ادله اي كه دلالت دارد بر عدم اشتراط ديديم كه كاري از پيش نبرد. از آن طرف ديگر نصوصي كه دال بر

اشتراط بود موثقه ابن بكير «أُيَصَلِّي عَلَيْهَا فَقَالَ لَا» که اين دلالتش كامل است بر عدم جواز. همين طور رواياتي که فرمود «إِذَا جَفَفَتْهُ الشَّمْسُ فَصَلِّ عَلَيْهِ» که معلوم است اگر مکان متنجس باشد و شمس آن را خشك نکرده باشد، نماز در آن مکان جايز نيست پس دلالت از اين طرف كامل و از آن طرف دلالت كامل نيست. بنابر اين نصوص دال بر اشتراط طهارت به قوت خود باقي ماند و نصوص دال بر عدم اشتراط خارج مي شود. مضافا بر اينکه نصوص دال بر عدم اشتراط موافقت عامه هم هست. تتمه بحث جلسه بعدي.

- 
- [1] 1. وسائل الشيعه ، جلد 2 ، باب 30 از ابواب نجاسات ، حديث 6.
  - [2] 2. وسائل الشيعه ، جلد 2 ، باب 29 از ابواب نجاسات ، حديث 4.
  - [3] 3. وسائل الشيعه ، جلد 2 ، باب 29 از ابواب نجاسات ، حديث 1.
  - [4] 1. وسائل الشيعه ، جلد 2 ، باب 29 از ابواب نجاسات ، حديث 2.
  - [5] 2. تنقيح العروه الوثقي ، جلد 3 ، صفحه 242 تا 246.
  - [6] 3. وسائل الشيعه ، جلد 2 ، باب 30 از ابواب نجاسات ، حديث 4.
  - [7] 4. وسائل الشيعه ، جلد 2 ، باب 30 از ابواب نجاسات ، حديث 3.
  - [8] 1. وسائل الشيعه ، جلد 2 ، باب 29 از ابواب نجاسات ، حديث 1 و 2.
  - [9] 2. وسائل الشيعه ، جلد 2 ، باب 30 از ابواب نجاسات ، حديث 2.
  - [10] 3. وسائل الشيعه ، جلد 2 ، باب 30 از ابواب نجاسات ، حديث 5.
  - [11] 4. وسائل الشيعه ، جلد 2 ، باب 30 از ابواب نجاسات ، حديث 7.